

# رهبر انقلاب مشروطه که بود؟



## فاضل غیبی

از لنین تا فیدل کاسترو و از جرج واشنگتن تا واسلاو هاول، هر انقلابی با نام رهبر آن شناخته می‌شود. انقلاب مشروطه ایران (1285 ش.) از انقلابات مشهور تاریخ است، بدین سبب که نه تنها در کشورهای اسلامی، بلکه حتی در چین و هند آن روزگار نیز قابل تصور نبود.



انقلاب شورش نیست، که به یکباره شعله‌ور شود، بلکه اقدامی است که گروهی کارآمد و مصمم برای تحقق آرمانی مشخص تدارک می‌بیند و در این روند فردی با ویژگی‌های برتر به رهبری می‌رسد. اقدام تاریخی شگرفی است که حتی آنجا که به فاجعه منجر شده، بخش باز هم مهمی از میراث تاریخی بشمار می‌آید.

گرچه انقلاب مشروطه از پیروزی کامل بازماند، اما انقلابی کاملاً مسالمت‌آمیز بود و زمینه سازندگی ایران نوین را ممکن ساخت. بدین سبب رویدادی است سرافراز و شایسته در تاریخ. اما ملایان قلم‌بدست نه تنها در مورد انقلاب مشروطه، بلکه دربار رویدادها و

شخصیت‌های تاریخی ما چنان دروغ‌هایی پرداخته‌اند، که پالایش آن به انقلاب فرهنگی سترگی نیاز دارد. گرچه تا آن زمان می‌توان گام‌های کوچکی در این راه برداشت و دستکم ناراستی‌های بزرگ را برملا کرد. از این دید، انقلاب مشروطه نمونه خوبی است، زیرا درک درست آن نگرش ما را به کل تاریخ ایران معاصر دگرگون می‌کند.

از جمله این دروغ بزرگ که گویا دو آخوند به نام‌های طباطبایی و بهبهانی، رهبران انقلاب مشروطه بودند! با شناختی که امروزه از رفتار و کردار ملایان پیدا کرده‌ایم، باید در درستی چنین ادعایی شک کرد. گرچه برای رسیدن به حقیقت ماجرا ناگزیریم ابتدا ناراستی‌ها را برملا کنیم و برای یافتن رهبر انقلاب مشروطه، نخست چهره واقعی «دو آخوند» یاد شده را بدرستی بشناسیم و این با توجه به دورویی ملایان کار آسانی نیست.

آغاز ماجرای انقلاب مشروطه را باید برکناری اتابک (صدراعظم مظفرالدین‌شاه) دانست. می‌دانیم که ملایان در دوران قاجار بر دستگاه حکومتی مستقل فرمان می‌راندند و قدرت، مکتب و تسلط آنان بر جامعه از شاه و دربارش بسیار بیشتر بود. با این تفاوت که حکومتشان از ساختار هرمی برخوردار نبود و هر آخوند بزرگی بارگاهی گسترده، از یکسو در رقابت با دیگر آخوندها و از سوی دیگر از راه داد و ستد با یکی از دولتمردان در پی تحکیم قدرت خود بود.

باری، آخوند طرف معاملۀ اتابک صدراعظم، بهبهانی بود و در رقابت با او، ملای پر قدرتی به نام طباطبایی، تکیه‌گاه شاهزاده عین‌الدوله بود. در این هنگام شیخ فضل‌الله نوری از عتبات وارد تهران شد و از آنجا که «برندگی» او از دو ملای دیگر بیشتر بود، عین‌الدوله که جانشین اتابک شده بود، او را برکشید:

«(.....) ...»  
.....  
.....

.....<sup>292</sup> با گزینش شیخ نوری به عنوان مجتهد اول پایتخت، طبعا طباطبایی و بهبهانی که تا بحال رقیب یکدیگر بودند، برای «ساقط» کردن او همدست شدند:

«.....»  
.....

«...»<sup>298</sup> اما تنها انگیزه آندو سقوط عین‌الدوله و در نتیجه از میدان بدر کردن شیخ فضل‌الله بود. «...»<sup>299</sup> تا آنکه داغ شدن آشفته‌بازار حوادث را دیگر حدی نبود. قدرت دولتی بطور روزافزون به تحلیل می‌رفت و دولتمردان خود آتش‌بیار معرکه شدند. علاءالدوله حاکم تهران، بازرگانان قند و شکر را چوب زد که چرا قیمت‌ها را بالا برده‌اند.

در این میان کسانی «دو سیر» را تشویق کردند، برای بالا بردن فشار و وادار کردن شاه به برکناری عین‌الدوله، در شاه‌عبدالعظیم بست نشینند. اما عین‌الدوله نیز بیدی نبود که به بادی سقوط کند. او از دو سید بست‌نشین خواست که اگر تقاضایی دارند، عریضه بنویسند.

اما «رؤسای ملت» نمی‌توانستند بنویسند که می‌خواهند جانشین شیخ فضل‌الله شوند، بنا براین شش مطلب را ردیف کردند که همه در جهت منافع آخوندها بود. از جمله: «تنبیه عسگر گاریچی» که با زائرین بدرفتاری نموده بود و یا «برداشتن تمبر دولتی از مستمریات روحانیون»!

حساب عین‌الدوله درست بود، خواسته‌های «دو سید» چنان پرت بودند که «خلق طهران» نیز ظاهراً «بواسطه سردی زمستان» «همراهی کامل نمی‌نمودند»<sup>300</sup> لیکن پایتخت با ادامه بست‌نشینی ناآرام بود و کار به بن بست رسید. تا آنکه پس از گذشت یکماه به میانجیگری سفیر عثمانی در تهران، عریضه‌ای به شاه نوشته شد که در آن تشکیل «عدالت‌خانه» نیز مطرح شده بود. با طرح خواسته‌ای ورای منافع ملایان، به یک باره گره کار گشوده شد: «...»<sup>301</sup> شاه‌عبدالعظیم فرستاد و «آقایان» با جلال و جبروت به تهران بازگشتند.

این بود مرحله نخست و مهم انقلاب مشروطه! مرحله دوم از این هم ساده‌تر گذشت. «دو سید» انتظار چنین موفقیتی را نداشتند، نه تنها شیخ‌فضل‌الله را از میدان بیرون کرده بودند، بلکه صدراعظم را کنار زده، مستقیماً با شاه طرف شده بودند. چنانچه «نزد مردم

جایگاه دیگری یافته»<sup>300</sup> و کارشان به جایی رسید که برای نخستین بار در تاریخ لقب «آیت‌الله» دربار آنان بکار رفت:

«... در این زمان که در میان مردم شهر شبنامه‌ها چسبانده می‌شود و در آنها نخستین بار سخن از «مجلس ملی» می‌رود:

«... در این زمان که در میان مردم شهر شبنامه‌ها چسبانده می‌شود و در آنها نخستین بار سخن از «مجلس ملی» می‌رود:

«... در این زمان که در میان مردم شهر شبنامه‌ها چسبانده می‌شود و در آنها نخستین بار سخن از «مجلس ملی» می‌رود:

«... در این زمان که در میان مردم شهر شبنامه‌ها چسبانده می‌شود و در آنها نخستین بار سخن از «مجلس ملی» می‌رود:

با اینهمه «دو سید» خود را مجبور به پافشاری بر این خواسته، که نمی‌دانستند چه کسی بر زبان‌شان انداخته، می‌دیدند، چرا که به غریز حفظ قدرت دریافته بودند، در صورت عقب‌نشینی، جایگاه نویافتن خود را از دست خواهند داد.

متوجه هستیم که دو سه ماه پیش از فرمان مشروطیت است و هیچکس هنوز کلمه‌ای دربار آن نگفته است: «هنوز نام مشروطه و آزادی در میان نمی‌بود. ولی برای نخستین بار کسانی آزادانه سخن از بدی‌های دولت رانده و دلسوزی به توده می‌نمودند.»<sup>301</sup>

شبها بر در و دیوار شهر شبنامه‌ها چسبانده می‌شود و در آنها نخستین بار سخن از «مجلس ملی» می‌رود:

«... در این زمان که در میان مردم شهر شبنامه‌ها چسبانده می‌شود و در آنها نخستین بار سخن از «مجلس ملی» می‌رود:

کسانی «... در این زمان که در میان مردم شهر شبنامه‌ها چسبانده می‌شود و در آنها نخستین بار سخن از «مجلس ملی» می‌رود:

«... در این زمان که در میان مردم شهر شبنامه‌ها چسبانده می‌شود و در آنها نخستین بار سخن از «مجلس ملی» می‌رود:

«... در این زمان که در میان مردم شهر شبنامه‌ها چسبانده می‌شود و در آنها نخستین بار سخن از «مجلس ملی» می‌رود:



سرنوشت‌سازتر از این لحظه قابل تصور نیست. پس از چند روز کنکاش و تدارک «...» ... ( ... ) ... ( ... ) ... ... ... ... ...

مشیرالدوله به سرعت دستخط نوینی از شاه مبنی بر تشکیل «مجلس شورای ملی» گرفته، دولتیان پراکندند که شاه با هم خواسته‌های «آقایان» موافقت نموده است. اما پسر صدراعظم که برای ابلاغ حکم به قم رفت، در هياهو دستخط پیشین (شامل «مجلس اسلامی») را نشان داد و «آقایان» سر از پا نشناخته، ده روز پیش از آنکه فرمان مشروطیت به امضای مظفرالدین‌شاه برسد به پایتخت بازگشتند! از این خبر هم اقشار و اصناف شاد شدند و برای نخستین بار در یک همبستگی ملی «...» ...

روشن است که اینجا مجال پرداختن به مراحل بعدی انقلاب و نیروهای درگیر آن نیست. هدف آن بود که نشان دهیم، در کشاکش همیشگی میان ملایان و دربار قاجار کسانی «دو آخوند» را به طمع مال و جاه فریب دادند، تا خواسته‌ای را مطرح کنند، که کاملاً مخالف منافع ملایان بود و دولتمردان از این فرصت استفاده کرده، کوشیدند نظام سیاسی ایران را بر بنیانی نوین قرار دهند.

ملایان همینکه «...» ...

۳۱۲ □ «...» با تمام قوای کوشیدند آب رفته را به جوی بازگردانند و «جبهه ضدانقلاب» را تشکیل دادند. درحالی‌که دربار نه تنها «دژ ضدانقلاب» نبود، بلکه درباریان دستکم برای حفظ قدرت خود که از «جنبش تنباکو» به بعد «...» ...



زندان و تبعید محکوم شدند.

بدین ترتیب 150 بایی با دانایی و درایت شبکه‌ای تشکیل داده بودند، که هم در میان ملایان رخنه نموده و هم بر درباریان و حتی بر نمایندگان کشورهای خارجی نفوذ داشت. ملک‌المتکلمین منشی سفارت فرانسه بود و دوستی دولت‌آبادی با سفیر عثمانی به او امکان داد از فرصت طلایی موجود استفاده کند.

ظاهراً پس از آنکه «بیداران تهران» «دو سید» را به بست‌نشینی تشویق کردند: «دولت‌آبادی... چند مجلس سفیر عثمانی را ملاقات نموده و سفیر را راضی نمود که واسطه در صلح باشد.»<sup>300</sup>

«سفیر گفت، اگر استدعای آقایان نوعیت داشته باشد، من توسط در صلح می‌کنم. والا اقدام نخواهم نمود.» و دولت‌آبادی ماده هفتمی را به خواسته‌ها اضافه کرد، که در آن برای نخستین بار سخن از «عدالتخانه» میرفت. کسروی از قول او می‌نویسد: «تا آنوقت این لفظ رسماً و علناً بر زبان‌ها جاری نشده بود.»<sup>300</sup>

این آغاز فعالیت‌های وسیعی بود که طی آن «بیداران تهران» موقع را مقتضی دانسته در زیر پرده نازکی<sup>301</sup> درباریان و ملایان را به سوی هدف خود می‌رانند. متوجه هستیم که «بیداران تهران» شخصیت‌هایی علنی بودند، که فعالیت‌های مخفی وسیعی داشتند و بدین سبب کمتر گزارشی درباره اقداماتشان در دست است. از شاهکارهای آنان این که:

«...»  
...  
...<sup>333</sup> ...!

و رئیس «بیداران تهران» یحیی دولت‌آبادی است که باید رهبر توانای انقلاب مشروطه شناخته شود و چنانکه روزی ملت ایران خدمتگذاران واقعی خود را بشناسد، تندیس او در کنار قهرمانان ملی در میدان‌های شهر برافراخته خواهد شد.

اما پرسش اساسی باید این باشد، که چرا «بیداران تهران» با آن توانایی‌ها نتوانستند پس از تشکیل مجلس کشور را در راه پیشرفت واقعی راهبری کنند؟ پاسخ همان است که باید در مورد ده‌ها هزار



